

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۵ وردک ۲۰۱۵

مجلس بیست و دوم (درخروج حب دنیا از دل)

بامداد آخرین روز ذی القعدة سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ بزرگوار عبدالقادر (قدس سره) در خانقاه فرمودند:

کسی پرسید چگونه مهر و محبت دنیا را از دل بیرون کنم؟ گفت، به تغییر و تحولاتی بنگر که در احوال دنیا داران و اربابان دنیا رخ می دهد. (بنگر) که چگونه بر آنان چیره شده، و تدریجاً به مقامات و مراتب (مطلوب) نائلشان می سازد، و برایشان مسلط می شود، گنجینه های دنیا و شگفتی هایش را برایشان ظاهر می سازد، و آنان در عین غفلت بدین مقام و منزلت خرسند می شوند، ناگهان چهره قهر و غضبش را آشکار می کند و آنها را گرفته و بسته و آماج تیرجفای خویش قرار می دهد، و از آن علو و بلندی مقام به زیر آورده و هلاک می سازد، در حالی که خود ایستاده و به همراه شیطان به حماقت آنان می خندند. این روش دنیاست که از زمان آدم علیه السلام تاکنون همواره، سلاطین و توانگران را اینچنین باز بچه خویش قرار داده، و این روش تاریخ قیامت ادامه دارد. اول رفت بخشیده سپس بر زمین می زند، اول پیش می اندازد، و بعد به عقب می راند، اول توانگری می دهد، بعداً تنگدستی، اول با محبت، نزدیک می شود، سپس هلاک می کند. بسیاری به ندرت کسی از دست دنیا خلاص شده است و توانسته بر آن چیره شود، و از شرش در امان بماند. تنها کسی که آن را صحیح شناخت، از گزندش پرهیز می کند و از نیرنگهایش برکنار می ماند.

ای پرسنده، اگر بادیده قلب و باطن به زشتیهای دنیا بنگری، قادر خواهی شد که او را از دل برانی، و اگر با چشم بدان بنگری، به ظواهر زیبایش مشغول خواهی شد، از تشخیص عیبهایش ناتوان شده و دیگر قادر به بیرون راندن آن از دل نخواهی بود و نمی توانی از آن کناره گیری، تا این که مانند دیگران نابود و هلاکت کند.

پس بانفس خود مبارزه کن که با مجاهده در این راه می توان آن را به آرامش و اطمینان رسانید، چه هرگاه دارای نفس مطمئنه شدی، خواهی توانست عیوب دنیا را بشناسی و از آن بپرهیزی. آرامش نفس در گرو اطاعت از قلب و باطن است. پس باید از آنها اطاعت کنی، در برابر اوامر و نواهییشان رام و مطیع باشی. هرگاه نفس به این مقام رسید، تاج تقوا بر سر و خلعت های قرب را در بر او مشاهده می کنی.

بر شما لازم است به قوم راستان باورد داشته و آنان را تصدیق کنید، و از تکذیبشان خودداری نموده و با ایشان به منازعه و مجادله نپردازید، زیرا آنان سلاطین دنیایند و مردان آخرت، آنان دولت قرب حق را دریافته اند، دلهایشان از غیر خدا بیزار است، و از مراتب قرب و انس مملو، با مشاهده انوار حق به همه دنیا و آنچه در آنست بی اعتنا می باشند، به آنکه دنیا را در اختیار دارد و از آن بهره مند شده است توجهی ندارند. به اوائل و ابتدای دنیا توجهی ندارند، بلکه به عواقب و پایان آن می نگرند. همواره خدای را مدنظر دارند، از ترس آتش دوزخ و به امید نعمت های جنت عبادت نمی کنند، آنان برای فرمانروائی بر قلوب آفریده شده اند، چون خدای متعال بر هر امری که اراده فرماید، توانست.

منافق هرگاه سخن گفت دروغ می گوید، هرگاه وعده داد خلاف می کند، و هر وقت مورد اعتماد قرار گرفت خیانت می کند. هرکس از این سه صفت که رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بیان فرموده است بدور باشد از نفاق و دورویی نیز بدور است. این سه خصلت در حکم محک می باشند، که می توان توسط آنها میان مؤمن و منافق تفاوت قائل شد. این محک بگیر و این آئینه را بستان و بدقت در خود نظر کن و خویش را بیازمای، آنگاه ببین مومنی یا منافق؟ موحدی یا مشرک؟

تمام دنیا فتنه است و سرگرمی، جز برای کسی که بانیت درست و به جهت آخرت بدان دست یابد، زیرا هر وقت نیت صالح بود، تصرف در دنیا به جهت تأمین آخرت پسندیده و مطلوب است.

سپاس نعمتهای حق را به جای آورید. شکر و سپاس دو گونه است: اول از دنیا در راه بندگی و اطاعت و دستگیری فقراء استفاده کردن، دوم، اقرار به منعم و بخشنده آن، به جای آوردن شکر و سپاس ذات اقدسش.

یکی از بزرگان درود خدا بر او باد، گفته هر چه ترا از خدا غافل و ذکروی را از یادت ببرد، آن به زیان و ضرر توست، و شوم است و ناپسند. نماز، روزه، حج و تمام اعمالی که با یاد خداوند انجام نپذیرد، و در حال غفلت صورت گیرد، شوم و به زیان تومی باشد. هرگاه نعم الهی غافلت گرداند، آنها نیز شوم و زیان آورند. تونعمت خدارا بمعصیت تباه می کنی، و در کار هایت به غیر او متوسل می شوی، همانا دروغ و نفاق، همواره در حرکات و رفتار، در ظاهر و باطن، جاگزین گریده است.

شیطان بر تو چیره شده است و رفتار زشت و ناپسند را برایت آراسته است. حتی در نماز ترا فریب داده است، بدینسان وقتی الله اکبر می گوئی، در دلت خدای دیگری حضور دارد. هر آنچه را که بر آن اعتماد می کنی خدای توست، تمام آنچه را که از آن خوف و رجا داری خدای توست. گفتار باقلمت هماهنگ نیست، رفتار با گفتار تناسبی ندارد. آیا شرم نداری که لا اله الا الله می گوئی، اما در دل هزار خدای دیگر نهفته. داری؟ از این وضعیت ناپهنجار - درای و به خدا برگرد.

ای کسی که علم آموختی، اما تنها به اسم و عنوان آن اکتفاء کرده و هیچ عملی نداری، صرف گفتن این که من عالمم، چه سودی به تو می رساند؟ دروغ می گوئی، چگونه راضی می شوی که دیگران را به معروف امر کرده ولی خود بدان عمل نکنی؟! خدای عزوجل فرموده:

«لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» - (چرا چیزی می گوئید که بدان عمل نمی کنید؟ - سوره صف آیت ۲).

وای بر تو! مردم را به راستگویی دعوت می کنی، اما خود دروغ می گوئی، تو به علم خیانت کرده ای، و امانت داری ات تباه شده است، نامت نزد خداوند در ردیف خیانتکاران ثبت گردیده است، هیچ دارویی برای این درد، جز توبه و بازگشت به خدا و ثبات و پایداری بر آن نمی شناسم. هرکس به خدای عزوجل ایمان داشته باشد، تمام امور خود را به او واگذارد، و در هیچ کاری برای او شریک قائل نمی شود. مخلوق و سببهای ظاهری را انباز خدائی داند. هرگاه این امر برای کسی حاصل شد از بلا و آفت محفوظ می گردد. و از مرحله ایمان به مقام یقین می رسد، سپس به تدریج به مقام ولایت و درجه ابدال و غیبت و سرانجام در آخر احوال به مرتبه قطب خواهد رسید. خداوند متعال به وجود او در میان انس و جن و فرشتگان مباحث می کند، وی را مقدم می دارد و ولایت و پیشوائی خلق را بدو می سپارد. تمام مراتب و مقامات پایه و بنیانش ایمان کامل به خدا و رسول خدا و اجرای اوامر شرع و عمل خالصانه به قرآن می باشد. مؤمن واقعی از مساوی خدای عزوجل بیزار است. همواره بانفس در مجاهده و مبارزه است و با مردم در ستیز تا آنان را به راه خدا هدایت نماید. خدای بزرگ فرموده: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا» - (کسانی که در راه ما مجاهدت می کنند، آنان را به راههای خود هدایت می کنیم. سوره عنکبوت آیت ۶۹).

از جلوات و ظواهر زندگی دوری کنید. در برابر مقدرات خدا راضی و تسلیم باشید، چه هرگاه تسلیم شدید دست قدرت الهی به نیکوئی و درجهت خیر متحولتان می سازد. ای خوشا به حال آن که با مقدرات حق موافق است، در انتظار فرارسیدن آنهاست و هیچ گاه کفران نعمت مقدار را مرتکب نمی شود. نشانه نعمت مقرر رحمت قرب حق، و بی نیازی از تمام مردم است. هرگاه دل بنده بخدا پیوست و ی از تمام خلق جهان بی نیاز می نماید، و به خود نزدیک می گرداند، و درباره اش می فرماید: «إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ» - (امروز تونزد مامکانت و جایگاهی داری، و امینی سوره یوسف آیت ۵۴). اوراد زمین جانشین و خلیفه الله می سازد، همانگونه که یوسف علیه السلام رافرمانروائی و تدبیر مملکت مصر داد، و بر تمام خزاین و گنجینه ها امینش گردانید. همچنین هرگاه قلب مؤمن به خصلت ایمان آراسته شد، و پاکی آن ظاهر گردید و جز مهر مولا چیز دیگری در آن جای نداشت، خداوند آن قلب رامکانت و منزلت می دهد، و آن را کعبه مریدان و خواستاران راه حقیقت می کند.

در طاعت و بندگی حق سستی و کاهلی نکنید، چون به عقوبت آن گرفتار خواهید شد. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده: « وَإِذَا قَصَرَ الْعَبْدُ فِي الْعَمَلِ ابْتِلَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِأَلْهَمٍ » - (هرگاه بنده ای در انجام عبادات قصور و کوتاهی کند، خداوند وی را دچار غم و اندوه می کند). اوراد چار غمی می سازد که در خاطرش نبوده، مانند غم از دست رفتن - زن و فرزند، کم بود نفع زندگی، نافرمانی فرزندان، عدم اطاعت همسر، به هرجائی می نگرند چنین عقوبتی در راهش هست، و این تماماً به علت کوتاهی در عبادت و توجه به دنیا، بدو روی آورده است. خدای عزوجل فرموده: « مَا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ » - (خداوند در صدد عذاب شما نیست، در صورتی که مؤمن و شکر گزار باشید. سوره نساء آیت ۱۴۷).

جایز نیست هیچ بنده ای نسبت به کارهای خداوند اظهار چون و چرا کند، زیرا خدای متعال متصرف در تمام امور و أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ است. «لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» -

وای بر تو! تاکی، نفس وزن و فرزند ترا از یاد خدا غافل می کنند؟ یکی از بزرگان گفته است: هرگاه متوجه شدی که فرزندت دانه خرما را از زمین برمی دارد، او را وا گذار و به خدامشغول شو، چون وقتی دانست که آن دانه خرما مورد مصرف و ارزش و بها دارد، پس می تواند خود به نفس خویش بپردازد و دیگر وقت ترا ضایع نگرداند. فرزند را صنعت بیاموز و خود به خدامشغول باش، زن و فرزند در پیشگاه خداوند نمی توانند کاری برایت انجام دهند. خود وزن و فرزند را به قناعت و اداری، و مابقی اوقاتت را به طاعت و عبادت مشغول شو. هرگاه روزی مقسوم نصیب شده باشد، در زمان معین خود به سویت خواهد آمد. پس از این که مردم را در آن با خدا شریک بدانی، باید پرهیز نمائی. و اگر مقدر نباشد چیزی به تو برسد، باید با استغنا طبع و قناعت خور از همگان بینباز بدانی.

مؤمن قانع هرگاه به چیزی احساس نیاز کند، متضرعانه به خدا رجوع می کند و نیاز خود را از اومی طلبد. اگر در خواستش اجابت شد، شکر و سپاس آن را به جای می آورد. و اگر اراده حق بر عدم انجام آن قرار گرفت، بدون اعتراض و منازعه، با صبر و شکیبائی، با خواست خداوند موافقت می نماید. توانگری را به وسیله دین و ریا و نفاق درخواست نمی کند، یعنی آنها را وسیله جمع و ذخیره ثروت قرار نمی دهد، همچنان که تو ای منافق اینچنین می کنی!!! بدان که ریا و نفاق و گناه موجب ذلت و خواری و رانده شدن از درگاه حق است. افراد منافق و ریاکار دنیا را به وسیله دین و به لباس اهل تقوا درآمدن به دست می آورند. مانند صادقان سخن می گویند و لباس صالحان را می پوشند، اما عمل آنان را انجام نمی دهند ادعای منتسب بودن به بزرگان را دارند، ولی در واقع هیچ نسبتی ندارند. قول و گفتارت لاله الا الله و از توکل دم زدن است، ولی دوری قلب و باطنت گواه صادقی است بر کذب گفتارت.

ای دروغگویان، به راستی بگرائید. از فراریان درگاه حق روی برگردانیده، و بانیتی از سر صدق، قصد درگاه خدای رانمائید، و عذر تقصیر را به پیشگاهش تقدیم دارید. در بدایت حال (ایمان ابتدائی) از نعم مباح شرعی دنیا استفاده نما،

ودر حالت ولایت باتکاء به قدرت خداوند و گواهی دوگواه صادق، یعنی کتاب و سنت، از مواهب الهی بهره مند شو، و در حال ابدالیت و قطبیت به فعل و مشیت الله متوسل شو، و همه چیز را بدو واگذار.

(یا غلام) آیا شرمنده نیستی؟ بر نفس خویش گریه کن، که صواب و توفیق - عبودیت - را بر خود حرام کرده ای، آیا شرمنده نیستی که امروز فرمانبرداری و فردا عاصی، امروز مخلصی و فردا مشرک؟ پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده: **«مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُورٌ، وَمَنْ كَانَ أَمْسُهُ خَيْرًا مِنْ يَوْمِهِ فَهُوَ مَحْرُومٌ»** - (هر کس دوروزش برابر و یکسان باشد، دچار زیان و غبن گردیده است، و هر کس دیروزش از امروز بهتر باشد، محروم است).

(یا غلام) تو موجد چیزی نیستی، و در برابر قدرت حق ناگزیر از تسلیمی. اما در دنیا از تلاش و کوشش فروگذار مباش، و از خداوند بخواه که ترا از میان این دریا، به وسیله امواج رحمتش، به ساحل امن و نجات برساند. دعا از تو، اجابت از خدا، کوشش و اجتهاد از تو، توفیق از خدا، ترک معاصی از تو، نگهداری از خدا. در راه طلب و رسیدن به خواسته، صادق باش، درگاه قرب حق را بنگر خواهی دید که لطف و عنایت خدائیز خواهان تست. این نهایت آرزوی قوم - راستان - می باشد.

من باشما چکار کنم؟ ای بنده نفس و شهوات و آرزوهای شیطانی! نزد من جز حق و خلوص و صفای بی شائبه چیزی دیگری نیست. پیوندتان را با غیر خدا قطع کرده و بدوبیونید.

ای دروغگویان، ای منافقین، ای مدعیان دروغین بدانید - که به علت غلبه هوی و هوس بر وجودتان است که مورد قبول واقع نمی شوید. شما از خویشتن خویش شرمگین نیستید، من چرا از شما داشته باشم. شما از خدای شرم ندارید و همواره به بی شرمی می گزینید، و فرشتگان موکل بر خود رانانیده می انگارید. بدانید نزد من صداقتی وجود دارد که بآن به سان شمشیری سر هر کافر و منافق دروغگو راکه بخدا باز نمی گردد و توبه نمی کند، قطع خواهم نمود.

یکی از بزرگان قوم که درود خدای اوباد فرموده. صدق و راستی شمشیر خداست در زمین، بر چیزی قرار نمی گیرد، الا او را قطع می کند. از من این اندرزها را بپذیرد، من ناصح و لسوز شمایم. من نزد شما مرده ام و در پیشگاه حق زنده. من توسط شما مرده ام و به الطاف حق زنده. هر کس گفتار مرا تصدیق کند، بهره مند و رستگار می شود و هر کس مرا تکذیب نماید، در حال و آینده دچار حرمان و نومیدی می گردد.

از جمله وسایل کسب معرفت خداوند، ترک چون و چرا، و راضی بودن به خواست خدای باشد. بدینجهت مالک بن دینار (رحمة الله علیه) به یکی از مریدانش گفت: اگر معرفت خدای را خواهانی به خواست و تقدیرش راضی باشی، نفس و هوای طبع خویش را شریک او بدان، ای تندرستان!! ای فارغان از اعمال حسنه! چه چیز شما را از پروردگارتان غافل کرده است؟ اگر دلهایتان از این حالت آگاه شود، هر آئینه پشیمان و دچار حسرت می گردد.

(یا قوم) شما به زودی از جمله مردگانید، بر خود بگریید، پیش از این که بر شما بگریند. شما دارید گناهای انباشته، و آینده ای مجهول. قلوبتان به بیماری حرص و آز دنیا گرفتار و مبتلا است. آنرا با داروی زهد و ترک دنیا و توجه به خدا درمان کنید. سرمایه شما سلامت دین، و اعمال صالحه سود و بهره آن می باشد. در طلب چیزی نباشید که شمارا به طغیان وادارد، به قدر کفایت قناعت کنید. شخص عاقل به چیزی شاد نمی شود که حلالش حساب دارد و حرامش عقاب، زیاده طلبیتان این حساب و عقاب را زیادتان برده است.

(یا غلام) هرگاه چیزی از مال دنیا نزد خود دیدی و قلبت از آن بیزار بود، آنرا ترک کن. اما افسوس که تودارای قلب سلیم نیستی، هوای نفس و شهوات بر تو چیره شده اند. با صاحبان دین هم نشینی کن تا صاحب دل شوی، توناگریز از مصاحبت با پیری بزرگوار و حکیم هستی که عامل به احکام خداوند بوده، تاترا از آلودگیها پاک سازد، اندر زت دهد و علمت بیاموزد.

ای کسی که همه چیز را به هیچ فروخته ای، و هیچ را به همه چیز خریده ای، دنیا را به قیمت آخرت خریده ای و آخرت را به بهای دنیا فروخته!! توهوس در هوس، عدم در عدم، جهل در جهلی، به سان چارپایان، بدون تحقیق و بررسی، بدون نیت صحیح، و بدون شناخت حلال و حرام، می خوری و متنعم می شوی.

مؤمن از مباحهای شرعی استفاده می نماید، و به بهره وری از آن امر می کند، اما قلبش از آن دوری می کند. و به دل به چیزی اهتمام نم کند و در خدا فانی است، و از اختیاری ندارد، منتهی در همه احوال کاملاً موازین شرع را رعایت می کند. در حالت فناء در دریای قدرت حق شناور است، امواج خروشان آن گاهی وی را بالا برده و زمانی قعر می برد، گاهی به ساحل می رساند، و زمانی در گرداب غوطه ورمی سازد، به مانند اصحاب کهف که خدای عزوجل درباره شان فرموده: «وَنُقَلِّبُہُمْ دَاتَ الْیَمِیْنِ وَ دَاتَ الشَّمَالِ» - (آنان را به راست و چپ برمی گردانیم. سوره کهف آیت ۸۱).

دارای عقل - حسابگر جزئی - و تدبیر و حس نمی باشند، بلکه در لطف و قرب الهی دیده ظاهر و باطن را پوشیده اند، همانطور که مقرب چشم و دل را از هر چه غیر خداست می پوشد. نگاه نمی کند الا به جلال و عظمت حق، و نمی شنود سخنی را جز از او.

بارخدا یا، ما را از غیر خود فانی گردان، و به ذات خود زنده بدار.

«وَأَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».